

نقد و بررسی

رهایی از آزادسازی اقتصادی

دکتر ریچارد فولتنز
استاد دانشگاه کنکوردیا - مونترال

Roksana Bahramitash, *Liberation from Liberalization*, New York:
Zed Books, 2005, 211 pages.

جزو کسانی نبودند که از آزادسازی داد و ستد بازرگانی و افزایش جریان مبادلات پولی نفع ببرند. کتاب پیش روی از سوی رکسانا بهرامی تاش پژوهشگر مسایل زنان و مدرس درس جنسیت و پیشرفت در دانشگاه کنکوردیا به رشته نگارش در آمده است. وی که

سیاستهای جهانی شدن اقتصادی هم اکنون سراسر جهان را فراگرفته است. با این همه چنین سیاستهایی دارای برندگان و بازندگانی است که زنان یکی از مصداقهای آن محسوب می شوند. بر خلاف ادعاهای نظریه پردازان نئو لیبرال، زنان در کشورهای در حال پیشرفت

پژوهشهای خود را روی موضوع زنان، جهانی شدن و کار زنان مسلمان متمرکز کرده با توانایی و با تکیه بر مطالعات میدانی بر سه کشور جنوب شرقی آسیا این مطلب را نشان می‌دهد که زنان از مزایای سیاستهای نئولیبرال کمتر بهره می‌برند. در حالی که پژوهشهای بهرامی تاش بر روی کشورهای تایوان، اندونزی و فیلیپین بوده است، اما نتیجه تحلیلهای او به زنان کشورهای خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین هم تعمیم پذیر است.

در حقیقت سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیسم در سراسر جهان سبب شده که این درآمدهای اقتصادی در میان کسانی که در جایگاه بالایی از سطح جامعه و دارای قدرت هستند، همچنین نخبگان و شرکتهای چند ملیتی و سران این شرکتهای تقسیم شود. بالا رفتن ثروت مدیران شرکتهای چند ملیتی نتیجه‌ای جز افزایش شکاف درآمدها و ازدیاد فقر جهانی نداشته است. لازم به تذکر است که نه تنها فقر جهانی باعث افول سازمانها و نهادهای دموکراتیک و تخریب محیط زیست شده است، بلکه

آن‌گونه که بهرامی تاش در تحقیقات خود نشان می‌دهد، زنان نیز در کشورهای جهان سوم بیشتر از تمام اقشار صدمه خورده‌اند و آنها هم جزو کسانی هستند که در بازی جهانی شدن باختند. به گونه‌ای که زنان هفتاد درصد فقیران و همچنین دو سوم بی‌سوادان دنیا را تشکیل می‌دهند. از نظر دسترسی به خدمات بهداشتی نیز در مقایسه با مردان، زنان در موقعیت بسیار ضعیف‌تری قرار دارند. همچنین فقر در میان زنان روستایی در دهه‌های اخیر افزایش فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. (ص ۲)

یکی دیگر از دعوای نئولیبرالیسم این است که این خط مشی اقتصادی، دسترسی زنان را به کار با حقوق و دستمزد افزایش داده است. ولی یکی از بحثهای اصلی تحقیقات بهرامی تاش این است که در حالی که اشتغال زنان افزایش یافته است، ولی به طور عمده شرایط استخدامی بدتر شده است. چون هنوز زنان کار منزل و کارهایی را که باید در خانه انجام دهند را نیز به عهده

دارند و کار بیرون به کاری که در گذشته در خانه داشتند اضافه شده است. علاوه بر این در بسیاری از موارد، کار زنان سبب افزایش بیکاری در بین مردان شده است. زیرا زنان آمادگی کار مشابه با مردان را در ازای دستمزد پایین‌تر دارند و به همین روی آنها در مقایسه با مردان بیشتر استخدام می‌شوند. بر پایه اقتصاد نئولیبرالیسم و برای پایین آمدن بهای کالاها و بالا بردن میزان سود چاره‌ای جز کاهش دستمزدها نیست و چون زنان دستمزد کمتری می‌گیرند به همین دلیل میزان اشتغال آنها بالا رفته است. همچنین می‌توان گفت که علت افزایش اشتغال زنان پایین آمدن استانداردهای کاری و خدمات اجتماعی است. در واقع تصویری که ما از شرایط زنان طبقه کم‌درآمد در کشورهای در حال پیشرفت می‌بینیم بسیار تاسف‌آور است.

یکی دیگر از موضوعاتی که بهرامی تاش به مستندسازی آن پرداخته است، نقش زنان در حفظ جامعه از طریق اشتغال به کار غیررسمی است. کتاب

نشان می‌دهد که چگونه نئولیبرالیسم با کاهش بودجه مربوط به خدمات عمومی توسط دولتها، زنان را وادار به ورود به حیطه کار داوطلبانه و جبران کمبودها و نارسائیهای موجود از سوی دولت می‌کند. به همین دلیل ملاحظه می‌کنیم که انرژی و وقت بیشتری صرف می‌کند و بنابراین کمتر قادرند به کیفیت زندگی فرزندانشان بپردازند.

بهرامی تاش معتقد است که اگر برنامه توسعه، کمک‌رسانی به همه اقشار جامعه به ویژه قشر زنان جامعه است، دولت باید خدمات اجتماعی را تضمین کند و در عین حال به بافت جامعه مدنی توجه زیادی داشته باشد. از سه کشوری که در این کتاب به عنوان مطالعه موردی یاد می‌شود تایوان نسبت به اندونزی و فیلیپین عملکرد بهتری داشته است. ایشان می‌نویسد تایوان نشان می‌دهد که اگر سیاست دولت برای به‌کارگیری کار زنان با دولت رفاه همراه باشد، می‌تواند از شیوع فقر جلوگیری کند. (ص ۶)

شاید مهمترین بخش تحقیق نویسنده این است که کار او به داده‌های

آماري که مي‌توان بسيار و به راحتی آن را مورد سوء استفاده قرار داد، محدود نيست. بلکه تحقيقات نويسنده با به‌کارگيري داده‌هاي آماری و نيز با مطالعات ميدانی که شامل مشاهدات و تجربه‌هاي دست يک خود نويسنده در کشورهايي که مورد بررسی قرار گرفته شده مي‌باشد، همراه است. بهرامی تاش در اين کتاب يک برداشت جامع‌تری از داده‌هاي آماری که از بانک جهانی و صندوق بين‌المللی پول و ديگر مآخذ اقتصادی گرفته است ارايه داده و درحالی‌که از بانک جهانی انتقاد می‌کند از آمارهاي آنها استفاده کرده و آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. اين بررسی و تحليل در يک چارچوب تاريخی قرار گرفته که تاريخ حضور استعمار را به

ويژه در رابطه با شکل‌گيري ساختار و شرايط اجتماعی - اقتصادی که پيش زمينه حیات زنان آسیای امروز هستند ارايه می‌کند.

کتاب بهرامی تاش از يک سو انتقاد شدیدی است به بنيادگرایی بازار و از سوی ديگر زنگ خطری است برای پرداختن و شنيدن صدای کسانی که در دنيا صدایشان شنیده نمی‌شود و حضورشان مشهود نيست. مطالعه اين کتاب با تحقيقات غنی مستندسازی عمیق و ارايه محکم به کسانی که به مسايل توسعه، مساله عدالت اجتماعی و مطالعات زنان علاقه‌مند هستند توصيه می‌شود.

